

گروه علم، یکی از مهم‌ترین موضوع‌هایی که در ماه‌گذشته توجه بسیاری را به خود جلب کرد، شایعه پایان جهان در دسامبر ۲۰۱۲ بود. طبق این شایعه قرار بود در روز اول دی ۱۳۹۱ برابر با ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ جهان به پایان برسد. این موضوع از این لحاظ اهمیت داشت که گستره فراگیری آن بسیار وسیع بود و تقریباً در تمام کشورها و فرهنگ‌ها به آن توجه کردند. بسیاری از رسانه‌ها در طول سال گذشته به این موضوع پرداختند و در نتیجه نظرسنجی‌هایی که آنان از مخاطبان خود به عمل آورده بودند، مشخص شد که بسیاری از این مخاطبان به موضوع پایان جهان در سال ۲۰۱۲ باور دارند و جالب‌تر آنکه بسیاری تلاش داشتند به گمان خود این موضوع را با یافته‌های علمی دانشمندان هماهنگ نشان دهند یا آنکه نشانه‌هایی از چنین پیشگویی (به باور آنان درست و قطعی) را در دین و مذهب یا تاریخ و فرهنگ خود بیابند تا آنان هم از این خوان افتخار بهره‌ای برده‌باشند.اما نکته‌ای که در این میان بسیار جالب توجه است آنکه همه این نگرانی‌ها از تقویم تمدنی کهن (و اکنون از یاد رفته) مایا جوانه زد. مایاها تمدنی بودند حدود ۲۵۰ تا ۹۰۰ قبل از میلاد به وجود آمدند و در بخش‌هایی از جهان، قسمت‌های جنوبی

ضرورت بررسی بستر و ساختار شایعات همه از یک قماش‌اند

مکزیک تا گواتمالا و السالوادور زندگی می‌کردند. البته باید خاطر‌نشان کرد که این تمدن دوره درخشان کوتاهی داشت و بعد (در اثر عواملی که هنوز به درستی شناخته نشده) امپراتوری آنان از بین رفت. با توجه به شکل‌گیری و گسترش این تمدن در منطقهای دورافتاده و ناشناخته بودن آن برای دیگر تمدن‌ها و از میان رفتن زود هنگام آن، هاله‌ای از ابهام، تاریخ و فرهنگ این تمدن را پوشانده است. سینما نیز با تولید فیلم‌هایی خوش‌ساخت، راز آلودی هر چه بیشتر این فرهنگ و تمدن افزوده است. تقویم این تمدن پیچیده و استفاده از آن دشوار بود. تقویم آنها چند دوره داشت که یکی از دوره‌های آن در تاریخ ۲۱دسامبر ۲۰۱۲ به پایان می‌رسید. برخی گمان برند با اتمام این دوره تاریخی، تقویم مایاها به پایان می‌رسد و به پایان رسیدن تقویم مایاها یعنی پایان کل دنیا، البته آن زمان کسی از

پرونده‌ای برای همه پایان‌های جهان

یک داستان و هزار روایت

پاسان زِرکوب

خود نرسید آیا به پایان رسیدن تقویم شمسی ما در روز ۲۹ اسفند به معنی پایان تاریخ است؟ یا اگر تاریخ در تقویم ایرانی در روز ۲۹ اسفند به پایان برسد، مردم سرزمین‌های دیگر باید نگران پایان جهان باشند؟ کسی آن روز از خود نپرسید که اگر مایاها آنقدر تمدن پیشرفته‌ای داشتند که می‌توانستند عقابت کار جهان را در چند قرن بعد حدس بزنند چرا نتوانستند سرنوشت شوم خود را حدس بزنند و راه گریزی برای آن ببندیشند؟ این شایعه ناخواسته گسترش یافت و فقط ابقای جهان در ۲۱ دسامبر بر آن خط‌بطلان کشید. به همین دلیل روزنامه «شرق» این ویژه‌نامه دیرهنگام را تهیه کرده است تا در پایان خوش سال ۲۰۱۲ و آغاز سال ۲۰۱۳، این پدیده را از جنبه‌های گوناگون بررسی کنیم. انگیزه اصلی از تهیه این ویژه‌نامه بررسی درستی‌ونادرستی یک شایعه نبود، چرا که اکنون همه به نادرستی آن پی برده‌اند، در واقع هدف، نگاهی به ساختار یک باور نادرست در قالب یک ماجرای شبه‌علمی بود. به همین مناسبت چند مورد از شایعه‌های مشابه را نیز ذکر کردیم. به امید آنکه در آینده برای رودرویی با شایعات این‌چنینی (که قطعاً باز هم منتشر خواهد شد) آمادگی ذهنی داشته‌باشیم.

نگاه اول

تقویم مایا و انتساب خرافه‌پرانی‌های امروزی به آنان

پل‌های بی‌پایه از باور به واقعیت

ر.ضام‌ادی‌غیاث‌آبادی

پژوهشگر و باستان‌شناس

مایاها از اقوام کهنی بودند که تمدن درخشانی را در نیمه هزاره دوم پیش از میلاد در آمریکای لاتین (مکزیک، نیکاراگوئه، گواتمالا، السالوادور و دیگر نواحی) بنیان نهادند. این تمدن با افول و فرازهایی به مدت سه هزار سال تا نیمه هزاره دوم بعد از میلاد به حیات خود ادامه داد و پس از «کریستف کلمب» و موج مهاجرت سفیدپوستان به قاره جدید به سوی نابودی روان شد.

مایاها تقویم دوگانه و پیچیده‌ای داشتند. آنان از ترکیب یک سال خورشیدی ۳۶۵ روزه و یک دوره ۲۶۰ روزه بهره می‌بردند. هر دوره ۲۶۰ روزه، به ۱۳ دوره ۲۰ روزه تقسیم می‌شد. به این ترتیب، روزها در شماره‌هایی از یک تا ۱۳ شمارش می‌شدند و هر ۱۳ روز یک دوره کوتاه به حساب می‌آمد. مجموع این دوره‌های کوتاه نیز به ۲۰ می‌رسید و در نتیجه، ۲۰ دوره ۱۳ روزه، مجموعاً دوره بزرگ‌تر ۲۶۰ روز را تشکیل می‌داد. این دوره بزرگ ۲۶۰ روزه را «تزوکلین» می‌نامیدند.

بین دوره تزوکلین با ۲۶۰ روز و سال ۳۶۵ روز مناسبتی برقرار بود. به این ترتیب که هر ۷۳ تزوکلین برابر با ۵۳ سال می‌شد. تزوکلین همچنین به چهار دوره ۶۵ روزه و نیز پنج دوره ۵۲ روزه تقسیم می‌شد. اما از طرف دیگر، سال خورشیدی ۳۶۵ روزه مایایی نه به ۱۲ ماه، بلکه به ۱۸ ماه ۲۰ روزه تقسیم می‌شد و پنج روز بیشتر نیز در پایان داشت.

هر روز مایایی یک «کین» نامیده می‌شد. ۲۰ روز (۲۰ کین) تشکیل یک «وینال» را می‌داد. ۱۸ وینال برابر با ۳۶۰ روز می‌شد که یک «تون» نامیده می‌شد. پس از این، هر دوره در ۲۰ ضرب می‌شد و دوره بزرگ‌تر دیگری را تشکیل می‌داد: ۲۰ تون مساوی می‌شد با ۷۲۰۰ روز (۲۰ سال) که «کاتون» نامیده می‌شد. ۲۰ کاتون مساوی می‌شد با ۱۴۴ هزار روز (معادل ۴۰۰ سال) که «باکاتون» نام داشت. ۲۰ باکاتون مساوی می‌شد با ۲۸۸۰ هزار روز (برابر ۸۰۰۰ سال) که آن را «پیکتون» می‌نامیدند. این سیر کماکان ادامه می‌یابد و دوره‌های بزرگ‌تر دیگری را می‌سازد. آخرین و بزرگ‌ترین دوره زمان‌سنجی مایایی «لااوتون» نام دارد که از ۲۳۲۰۰۰۰۰۰۰۰ (۲۳٫۲میلیون سال) تشکیل می‌شود. در سال‌های اخیر شایعه‌ای متداول شده بود که روز ۲۱ دسامبر سال ۲۰۱۲ میلادی بر اساس تقویم مایایی روز پایان جهان است. هرچند این ادعا در ظاهر خود، انگاره‌ای اسطوره‌ای را دنبال می‌کرد اما شدت تبلیغات عوام‌فریبانه به حدی رسید که بسیاری از مردم را دچار نگرانی کرد.

با اینکه اساس ادعای فوق یک باورداشت (با نظر آنان) مایایی بوده و نمی‌توانست از ارتباط به واقعیت‌ها داشته‌باشد اما نکته اصلی اینجاست که حتی همان ادعای «پایان جهان طبق تقویم مایایی» نیز نادرست و وهمی بود. در تقویم و باورداشت‌های مایایی (چنانکه در بالا دیدیم) چنین چیزی وجود ندارد. بزرگ‌ترین دوره زمان‌سنجی مایایی (از نظر باورداشت‌های آنان) ۶۴ میلیون سال است که تازه پس از آن یک دوره بزرگ دیگر آغاز می‌شود. به این ترتیب، انتساب چنین جهل و خرافه‌پرانی به آیین‌های مایایی و گاه‌شماری آنان، نوعی اجحاف و خوارداشت در حق تمدنی کهن و درخشان بود که دارای ریاضیات غنی و پیشرفته و نیز نظام محاسباتی دقیق و ستجیده بوده‌اند. رفتارها و اعتقادهای ساده‌انگارانه امروزی ما ارتباطی به آن تمدن بزرگ و کهنسال ندارد.

زاویه دید

احتمال‌های پیشنهادشده برای پایان دنیا در سال ۲۰۱۲

هیاهوی بسیار برای هیچ

محمدرضا سعیدی

کسانی که ایده پایان جهان در سال ۲۰۱۲ را ارایه کرده بودند، روش‌هایی را نیز برای سناریوی پایان جهان آفریدند مانند: تعویض قطب‌ها در اثر یک پدیده‌ای فضایی، برخورد سیاره‌ای ناشناخته با زمین، مقارنه خورشید و کهکشان، ناآرامی زمین به دلیل توفان‌های خورشیدی و… در ادامه به بررسی چند مورد از این سناریوها می‌پردازیم.

تعویض قطب‌ها در اثر پدیده‌ای فضایی

در برخی پیش گویی‌ها، پیرامون پایان جهان در سال ۲۰۱۲ گفته شده که یک شهاب‌سنگ به زمین برخورد می‌کند و جای قطب‌های آن عوض می‌شود. جابه‌جایی قطب‌ها در اثر جابه‌جایی ناگهانی پوسته و گوشته زمین روی می‌دهد. با گردش این لایه‌ها به دور هسته بیرونی، زمین، شهرهای ویران‌شده را می‌بلعد و به قعر خود فرومی‌کشد. زمین‌شناسان پیش از این، ساختار سنگ‌ها، لایه‌ها و همچنین خاصیت مغناطیسی قطب‌های زمین را بررسی کرده بودند و با استفاده از همین اطلاعات، پیش گویی جابه‌جایی قطب‌ها را بررسی کرده و ایده وقوع یک آرمادگون (رستاخیز یا پایان جهان) در سال ۲۰۱۲ را رد کردند. به گفته کارشناسان، شواهد مربوط به خواص مغناطیسی سنگ‌ها بیان می‌کند که قاره‌های زمین در گذشته، دچار چنین تغییر جهت‌های قطبی شدید شده‌است ولی این فرآیند بسیار کند است و میلیون‌ها سال طول می‌کشد یعنی به یکباره اتفاق نمی‌افتد بلکه آنقدر آهسته‌است که انسان نمی‌تواند چنین تغییرات کند و تدریجی را با حواس خود درک کند.

برخورد سیاره‌ای ناشناخته با زمین

سه سال پیش، تلسکوپ فضایی هابل تصویری بی‌نظیر از ستاره متغیر ۸۳۸ در صورت‌فلکی تک‌شاخ را در فاصله ۲۰ هزار سال‌نوری تهیه کرد که ستاره‌ای از نوع غول‌سرخ را همراه با غبار اطرافش نشان می‌داد، اما برخی در تفسیر این عکس گفتند این تصویر حاوی شواهدی از یک سیاره یا نام سیاره «هیبیرو» است و در مسیری قرار دارد که تا سال ۲۰۱۲ به زمین برخورد می‌کند. البته ستاره‌شناسان شناخته‌شده این ادعا را رد کردند و گفتند هیچ چیزی در آنجا وجود ندارد. اگر یک سیاره یا یک کوتوله قهوه‌ای یا هر چیز دیگری وجود داشته باشد که سه‌سال تا ورود به منظومه شمسی فاصله داشته باشد، منجمان قطعاً از یک دهه قبل تر آن را می‌دیدند و بررسی می‌کردند. گذشته از آن، اگر چنین چیزی واقعاً وجود داشت، از مدت‌ها قبل از برخورد می‌شد آن را با چشم غیرمسلح دید. علاوه‌براین اگر جسمی در فاصله ۲۰ هزار سال‌نوری زمین قرار داشته باشد، حتی اگر با سرعت نور به زمین نزدیک شود، ۲۰ هزار سال طول می‌کشد به زمین برسد. گفتنی است این ایده سابقه داشته و در واقع پیش از آغاز شایعات پیرامون ۲۰۱۲ منتشر شده بود. زنی که ادعا می‌کرد از بیگانگان پیغام می‌گیرد، جنرال «هیبیرو» را شایع کرده، البته او اعلام کرده بود دنیا در سال ۲۰۰۳ به پایان می‌رسد و نه ۲۰۱۲.

مقارنه خورشید و کهکشان

برخی گمان می‌کردند که سال ۲۰۱۲، مقارنه آسمانی بی‌نظیری روی می‌دهد که در ۲۶ هزار سال گذشته بی‌سابقه بوده است. بر پایه



این سناریو، مسیر خورشید در آسمان از نقطه‌ای می‌گذرد که قلب کهکشان راه شیری در آنجا قرار گرفته‌است. آنان نگران بودند که نکند نیروی گرانش خورشید و نیروهای ناشناخته و بسیار قدرتمند کهکشانی، دیگر را تقویت کنند و مثلاً با پدید آوردن یک جابه‌جایی قطبی یا کشاندن زمین به درون ابرسیاه‌چاله فوق‌العاده عظیمی که در مرکز کهکشان ما جای دارد، پایان جهان را رقم بزنند. گفتنی است هیچ مقارنه یا نظم کهکشانی جدیدی در سال ۲۰۱۲ به وجود نیامد. هر سال به هنگام انقلاب زمستانی، خورشید در نقطه‌ای از آسمان واقع می‌شود که بسیار نزدیک به مرکز کهکشان راه شیری است. شاید چنین مقارنه‌هایی برای نویسندگان زنجیه و تقویم‌های نجومی جالب باشد، ولی واقعیت آن است که چنین پدیده‌هایی، فقط ظاهری است و برای ادل داشت معنی خاصی ندارد. مثال مشهور دیگر، وضعیت قمر در عقرب است که ماهی یکبار اتفاق می‌افتد و هیچ تاثیر و تغییری در کشش گرانشی، تشعشعات خورشیدی، مدار سیارات (با هر چیز دیگری که حیات روی زمین را تحت‌الشعاع قرار دهد)، ندارد و به همین دلیل کارشناسان به آن اهمیت نمی‌دهند.

ناآرامی زمین به دلیل توفان‌های خورشیدی

برخی دیگر شایع کرده بودند که در ۲۰۱۲، شراره‌های مهلکی از سطح خورشید فوران‌هایی تولید می‌کند که حرارتش زمین و ساکنانش را نابود می‌کند. چرخه فعالیت‌های خورشیدی تقریباً ۱۱ ساله است یعنی در هر ۱۱ سال به اوج فعالیت خود می‌رسد. البته توفان‌های بزرگ خورشیدی می‌تواند با اختلال در عملکرد ماهواره‌ها و سیستم‌های مخابراتی و انتقال برق، به ویژه در عرض‌های جغرافیایی نزدیک به قطب، به جوامع و سیستم‌های زمینی آسیب برساند، ولی هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که نشان دهد خورشید توفان‌هایی به پا می‌کند (دست‌کم در کوتاهمدت) که از شدتش، سیارهمان بران می‌شود و می‌سوزد. از سوی دیگر، اخترشناسان براساس دوره‌های ۱۱ ساله فعالیت خورشید، پیش‌بینی می‌کنند که اوج فعالیت خورشید یکی دو سال بعد از ۲۰۱۲ اتفاق می‌افتد.

البته روش‌های بسیار دیگری نیز برای پایان جهان در سال ۲۰۱۲ ارایه شده بود، مانند اینکه زمین در اثر پدیده‌ای نادر، ۲۷ هزار سال‌نوری را یک‌شبه طی می‌کند و در مرکز کهکشان راه شیری قرار می‌گیرد یا به دلیل تشعشعات شدید خورشیدی، قسمت‌های درونی و مرکزی زمین ناپایدار و به مکانی ناامن برای ساکنانش تبدیل می‌شود یا توجه به زیاد بودن چنین شبهه‌های نابودی و همچنین واضح بودن خطای این نوع استدلال‌ها، از بررسی این موارد صرف‌نظر می‌کنیم.

جنگ‌افزارهای اتمی پنج قدرت اتمی آن روز جهان (ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی، انگلیس، فرانسه و چین)، از او و بیروانش عاقل‌تر بودند، اتفاق ناخوشایندی روی نداد و جهان همچنان به سیر عادی خود ادامه داد.

پیش‌بینی‌های یک خانم‌خاندان

در سال ۱۹۵۴، یک خدمت‌خاندان ۵۴ ساله آمریکایی به نام «دوروتی مارتین» با ادعای ارتباط با فضا، پیش‌بینی‌هایی وحشتناکی در مورد آینده مطرح کرد که بدترین آنها زهر و رو شدن زمین در سال ۱۹۵۵ بود. سال ۱۹۵۵ از راه رسید و نه زمین‌لرزه بزرگی در آمریکا رخ داد و نه اکتشافاتی فوران کرد. به جز این، او، پیش‌بینی دیگری هم کرده بود. او پیش‌بینی کرده بود که در شب سال نو ۱۹۵۵، فضایی‌ها و همسایگانش را با خود به آسمان می‌برند تا از مصیبت در امان بمانند. نتیجه این پیش‌بینی، ازدحام جمعیت زودبایور در اطراف خانه وی در آن شب بود. فضایی‌ها آن شب نیامدند و در نتیجه، «دوروتی» را در یک کلینیک روانی بستری کردند تا از اتهام تشویش اذهان عمومی و ترویج اغتشاش در امان بماند.

رکورددار جهانی پیش‌بینی آخرالزمان

«هارولد کمپبئنگ»، یکی دیگر از کتبشنان صاحب‌نام آمریکاست که او هم مانند «رابرتسن» طرفداران زیادی در بین معتقدان مذهبی مسیحی این کشور دارد. البته آقای «کمپبئنگ» رکوردی دارد که در نوع خود بی‌نظیر است. او تاکنون سه مرتبه پیش‌بینی کرد که دنیا به پایان می‌رسد اولین‌بار قرار بود دنیا در تاریخ ششم سپتامبر سال ۱۹۹۴ به پایان برسد اما نه عمر دنیا تمام شد و نه از اعتماد به نفس «هارولد کمپبئنگ» کم شد. البته ۱۸ سال طول کشید تا یکبار دیگر او جرات کند و چنین ادعایی را مطرح کند. این بار قرار شد که در ۲۱ ژوئیه ۲۰۱۱ دنیا تمام نشود و ۲۰۰میلیون مسیحی به آسمان بروند و با خاندان دیدار کنند. بعد از این صعود بزرگ، زمین به گوی عظیمی از آتش تبدیل می‌شود و ابتدا جمعیت باقی‌مانده را نابود می‌کند و سپس خودش نابود می‌شود. این تاریخ هم گذشت و دنیا نابود نشد اما «هارولد» با گذشت چند روز دوباره وارد صحنه شد و با اعتماد به نفس زیادی اعلام کرد که پایان دنیا قطعی است، فقط در تاریخ اشنابه شده و به جای ۲۱ می، در روز ۲۱ اکتبر ۲۰۱۱ دنیا تمام می‌شود. صلابته که آن تاریخ هم گذشت و دنیا به پایان نرسید. او هم‌اکنون در فکر یافتن تاریخ دیگری برای اتمام جهان است.

۲۰۰۰ را با ۰۰ نشان می‌دادند. نگرانی کارشناسان این بود که کامپیوترها با رسیدن به این تاریخ، دچار مشکل منطقی شوند و با عقب رفتن ناگهانی تقویم (یعنی از ۱۳/۱۲/۹۹ به ۰۰/۱/۰۰) خروجی پیش‌بینی‌نشده‌ای ارایه‌دهند. البته همه‌می‌دانستند برای کامپیوترهای عادی نتیجه این اختلال چندان مهم نیست اما نگرانی این بود که شاید کامپیوترهای کنترل‌کننده موشک‌های بالستیک و تسلیحات اتمی آمریکا و روسیه هم دچار چنین مشکلاتی شوند. به هر حال این تاریخ هم گذشت و مشکلی پیش نیامد.

بازگشت مسیح

گروهی از مسیحیان از دید دیگری به سال ۲۰۰۰ نگاه می‌کردند. آنها با توجه به متون مذهبی و تاریخی مسیحیت، اعتقاد داشتند که پس از سبری شدن دوهزاره، دوره فراموایی مسیح بار دیگر فرا می‌رسد و در این سال مسیح یکبار دیگر ظهور می‌کند. مسیح نیامد اما یک متعصب مذهبی مسیحی به نام «جورج پوش» پسر، در آمریکا رییس‌جمهور شد و به جنگ با یک متعصب مذهبی دیگر به نام «سامه‌بن لادن» پرداخت. این دو سال‌ها با یکدیگر جنگیدند و بی‌گناهان بسیاری را کشتند.

باز هم بازگشت مسیح

در دوم نوامبر ۱۹۹۲ (۱۱ آبان ۱۳۷۱)، یک کلیسا در کره‌جنوبی منحل شد. دلایلش هم این بود که «لی‌جانگ‌ریم» موسس یک گروه و فرقه مذهبی، چند ماه قبل از آن پیش‌بینی کرده بود که در روز ۲۸ هرمان همان سال مسیح بازمی‌گردد. صدها و شاید هم هزاران نفر اموال خود را فروختند، خانواده‌های خود را ترک کردند، کار خود را رها و حتی از ارتش فرار کردند. البته مسیح در این تاریخ هم نیامد اما کار آقای کشیش به کجا کشید؟ او به زندان رفت، نه به دلیل پیش‌بینی اشتباه، بلکه به دلیل کلاهبرداری! زیرا آقای «ریم»، چهار میلیون دلار از پول‌های خیره را به جیب زده بود. ماجرا وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانیم این کشیش متقلب، مبلغ ۳۸۰هزار دلار از این پول‌ها را در جایی سرمایه‌گذاری کرد که شش ماه پس از زمان واهی ادعا شده برای بازگشت مسیح، به سوددهی می‌رسید.

آخرالزمان اتمی

«لیرابت کلیرپرافت»، یک رهبر مذهبی مسیحی بود که در اواخر دهه ۱۹۸۰ به پیروان خود گفت خود را برای آخرالزمان آماده کنند. آخرالزمان موهومی وی قرار بود در سال ۱۹۹۰ با یک جنگ اتمی روی دهد، ولی از آنجا که مسوولان کنترل

نیمه پنهان ماه

نگاهی به تهدیدهای واقعی نوع بشر و سیاره زمین

خطر در کمین است

مهمان زِرکوب

جنگ جهانی دوم، قدرت نابودکننده آن را به همگان اثبات کرد. البته امروز بمب‌هایی به مراتب قوی‌تر از بمب‌های اتم در دسترس است. با توجه به اینکه امروزه هزاران بمب تولید و انبار شده است و بسیاری از کشورهای دیگر به فناوری تولید این سلاح مخرب دست یافته‌اند، در صورت وقوع یک جنگ هسته‌ای، بمب‌ها می‌توانند زمین را چندین بار نابود و ساکنانش را به کام مرگ بفرستند. کارشناسان راه‌حل این مشکل را کنار گذاشتن زمینه‌های بروز درگیری و پایبندی به عدم‌استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌دانند.

گرمایش جهانی

گرمایش جهانی (که به نظر می‌رسد بخشی از آن نتیجه فعالیت‌های بشر و بخشی دیگر نتیجه فرآیندهایی طبیعی است)، یکی از مشکلات امروز بشر است که مشکلاتی مانند خشکسالی، بارندگی‌های شدید و بی‌موقع و جاری شدن سیل‌ها را برای بشر به ارمغان آورده که شدت خرابی‌های آن بیشتر از گذشته شده است. هرچند که به نظر نمی‌رسد تغییرات آب و هوایی بتواند نسل بشر را متضرر کند، اما دست‌کم می‌تواند جریان زندگی را آن گونه که می‌شناسیم با دشواری‌های بسیار روبه‌رو سازد. به ویژه آنکه امروزه کمبود زمین مناسب برای کشاورزی و منابع آب شیرین، کمتر از همیشه در دسترس است. دانشمندان می‌گویند برای اجتناب از افزایش دمای زمین و آب شدن

هرچند آنگونه که برخی پیش‌بینی می‌کردند، جهان در روز ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ به پایان نرسید ولی واقعیت این است که زمین چندان هم ضربه‌پذیر و آسیب‌ناپذیر نیست و خطراتی بسیاری زمین با دست‌کم نسل بشر را تهدید می‌کند. در ادامه برخی از این خطراتی احتمالی را بررسی می‌کنیم:

برخورد سنگ آسمانی

سنگ‌ها و سیارک‌های بسیاری در آسمان سرگردان هستند و این احتمال وجود دارد که یکی از آنها به زمین برخورد و آن را نابود کند. چنین احتمالی اصلاً دور از ذهن نیست. دانشمندان می‌گویند عامل اصلی انقراض دایناسورها، برخورد یک شهاب‌سنگ بزرگ با زمین در ۶۵ میلیون سال پیش بود. این برخورد، دما را در منطقه برخورد به شدت بالا برد و مقدار بسیار زیادی گرد و خاک را به هوا بلند کرد که مدت‌های زیادی آسمان را تاریک و مانع رشد گیاهان در بخش‌های زیادی از زمین شد. این برخورد باعث انقراض دایناسورها و بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری شد. البته پس از آن نیز بارها سنگ‌هایی کوچک‌تر به زمین برخورد کرده است که موجب زمین‌لرزه، آتش‌سوزی یا سونامی‌های شدیدی شده است. امروزه دانشمندان می‌گویند شایسته نیست انسان نیز مانند دایناسورها چند میلیون سال پیش فقط نظاره‌گر سرنوشت محتوم خود باشد و نتواند برای گریز از آن واقعه شوم چاره‌ای ببیند.شما، اما می‌توان تمهیدی اندیشید که به نوعی بتوان از آن سرنوشت شوم رهایی یافت؟ هم‌اکنون دانشمندان همه سنگ‌های اطراف زمین را زیر نظر دارند و می‌گویند می‌توان به روش‌هایی مانند انفجارهای هسته‌ای، سیارک‌های سرگردان را از مسیرشان منحرف کنند و مانع برخورد آن با زمین شوند.

بمب‌های اتمی

بمب‌های اتمی یکی از تهدیدهای واقعی جهان هستند. انفجار دو بمب در پایان